

فهرست

مقدمه ۹

علم یا نا علم اقتصاد: چالش روش شناسی صوری کارل منگر ۱۳

نقد اول: عدم کفایت نظریه در ارائه روش متقن ۲۳

نقد دوم: تصریح ناپذیر بودن معرفت ضمنی ۲۷

نقد سوم: نالارزشمندی قانون سازی در پدیده های غیر انتزاعی ۳۱

سابجکتیویسم رادیکال ۴۹

استفاده «درست» یا «نادرست» از اصل عدم تناقض؟ ۵۱

مفهوم صدق در نگاه کورت گودل، آلفرد تارسکی و ژاک دریدا ۵۳

سه ابهام مهم سابجکتیویسم رادیکال و مسئله زبان در آرای نلسون گودمن و ویتگنشتاین ۶۰

سابجکتیویسم علیه مبنایابی میزس ۷۴

تفاوت سابجکتیویسم و سابجکتیویسم رادیکال ۷۸

سابجکتیویسم رادیکال: چالشی در برابر جریان اصلی اقتصاد اتریشی ۷۹

چالش نخست: «کشف» فرصت های کاسب کاری ۸۱

چالش دوم: حرکت اقتصاد به سمت «هماهنگی فزاینده» ۸۴

سابجکتیویسم رادیکال در برابر «حقایق عینی» و «هماهنگی فزاینده» ۹۱

۹۵..... آلترناتیوهای اتریشی

جورج شکیل: سنتز کینز و هایک ۱۰۳

همراهی شکل و اتریشی‌ها ۱۱۵

جدایی شکل از اتریشی‌ها ۱۲۳

حذف‌افصلی بین کینز و هایک ۱۳۲

«اقتصاد پراگماتیستی» یا «اقتصاد آنارشیستی»؟ ۱۳۷

نسبت پدیدارشناسی با سابعکتیویسم رادیکال ۱۴۰

نسبت پراگماتیسم و آنارشیسم معرفتی ۱۴۲

اختلال در بازار به‌جای شکست بازار: عبور از چپ‌گرایی و سرمایه‌داری ۱۵۱

اختلال در بازار به‌جای شکست بازار ۱۵۷

سرمایه‌داری؛ آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود ۱۶۴

عینیت‌گرایی در بنیان سرمایه‌داری ۱۷۵

ذهنیت‌گرایی؛ چارچوبی فراتر از دستاوردهای سرمایه‌داری ۱۷۹

تکنولوژی در برابر آزادی ۱۸۴

نقش مداخلات پولی دولت در سرمایه‌داری ۱۹۲

پایان ۲۰۶

منابع ۲۱۵

منابع انگلیسی ۲۲۵

مقدمه

طی سال‌های اخیر منابع مهمی از کتب مکتب اتریش در ایران منتشر شده است. زمانی نه‌چندان دور، آشنایی با مکتب اتریش منحصر به چند کتاب محدود مانند «درباره هایک»، «قانون، قانون‌گذاری و آزادی»، «راه بردگی» و «در سنگر آزادی» می‌شد. با این حال، در دهه ۱۳۹۰ و به‌ویژه نیمه دوم آن، کتب قابل توجهی در این حوزه (اعم از کتاب‌هایی که درباره مکتب اتریش نوشته شده یا کتبی که جزء متون کلاسیک مکتب اتریش به شمار می‌رفت) منتشر شد که حتی برخی از آنها نظیر «مکتب اتریش به زبان ساده» بوتکه (که اولین ترجمه‌اش به زبان فارسی بود) مدت کوتاهی پس از انتشار به بازار نشر ایران وارد شدند. ترجمه آثار میزس، هولکوم، هولسمن، روتبارد، هوپه، مورفی، باگوس، گریسون، لاخمان، نورث، هورویتز، سلگین و... را نیز باید به این فهرست افزود. با این همه، به نظر می‌رسد اکنون نه نیاز به آشنایی با مکتب اتریش، که نیاز به بازخوانی انتقادی و پرسش‌گرانه از این مکتب وجود دارد. به عبارتی، مکتب اتریش این شانس را در میان مکاتب اقتصادی در ایران داشته که در مدت کوتاهی به جامعه فارسی‌زبان معرفی شده است؛ معرفی‌ای که اگر بدون خوانش‌های انتقادی باشد، ثمره‌ای جز تبدیل یک مکتب اقتصادی به یک کیش جدید نخواهد داشت.

این کتاب سومین جلد از مجموعه مطالعات اقتصاد اتریشی است که جلد نخست آن با عنوان «معرفت‌شناسی مکتب اتریش و کارآمدی نظام بازار» و جلد دوم با عنوان «چالش اقتصاد اتریشی: نقدی بر دوگانگی دولت-بازار و نظریه سرمایه اتریشی»

به ترتیب از سوی انتشارات دنیای اقتصاد و انتشارات آماره منتشر شده است. در جلد‌های قبلی به وجوه کمتر دیده شده‌ای در زمینه معرفی و نقد مکتب اتریش پرداخته بودیم، در این جلد - که جلد نهایی است - تصمیم داریم ضمن تأیید برخی آرای مکتب اتریش و درعین حال، بیان کاستی‌هایش، راهکار بدیلی را ارائه دهیم که به نوعی از دل مکتب اتریش بیرون می‌آید، اما حاوی اشتراکات قابل تأملی با مکتب پساکینزی است.

ایده محوری این بدیل، ذهنیت‌گرایی افراطی است که از طرفی با ذهنیت‌گرایی اتریشی همسوست و از طرف دیگر، جنبه‌های نااطمینانی اقتصاد کینزی را به آن می‌افزاید. این گرایش را می‌توان با عنوان سابجکتیویسم رادیکال شناخت. مکتب اتریش با مطرح کردن مسئله ارزش ذهنی توانست نگاه سابجکتیویستی خود را در برابر نگاه آبجکتیویستی سایر نئوکلاسیک‌ها مستحکم کند، اما این تمام مسیر نبود. فقدان یک نگاه کاملاً سابجکتیویستی که فراتر از نظریه ارزش باشد، اتریشی‌ها را در حوزه‌های کاسب‌کاری، هماهنگی اقتصادی و انتظارات به بیراهه برد.

جریانی که تحت عنوان سابجکتیویسم رادیکال شناخته می‌شود با جبران این ویژگی و ویژگی‌های مرتبط با آن توانست یک حوزه فکری جدید در ادبیات اقتصادی ایجاد کند: ورود جنبه‌هایی از نسبی‌گرایی به اقتصاد. برخی از این افراد به عنوان اقتصاددانان اتریشی شناخته می‌شوند، مانند لودویگ لاخمان و برخی دیگر به عنوان اقتصاددانان پساکینزی، مانند جورج شکیل. به هر حال، اگر بخواهیم فراتر از اسم‌ها و چارچوب‌های تنگ مکاتب قرار بگیریم چاره‌ای نداریم جز اینکه صرفاً مختصات فکری این جریان را - بدون لزوم وابستگی به مکتبی خاص - بیان کنیم. با توجه به اینکه مکتب اتریش، خود یکی از مکاتب هترودوکس است، اگر بخواهیم رویکرد فعلی را در شمایی کلی مکاتب اقتصادی مشخص کنیم، باید بگوییم که این بدیل هترودوکسی در مکاتب هترودوکس اقتصادی است.



در فصل نخست با نقد جهان‌شمولی نظریه‌ها و قوانین اقتصادی، به نقد پایه‌های علم اقتصاد از دیدگاه کارل منگر، بنیان‌گذار مکتب اتریش می‌پردازیم و شرح مرتبطی از آرای تامس کون، مایکل پولانی و ماکس وبر در خصوص نظریه‌های علمی را ارائه خواهیم کرد. هرچند با این کار، نقد اقتصاد اتریشی را مدنظر داریم، اما علاوه بر آن، بنیان‌های علم اقتصاد در نگاه جریان اصلی اقتصاد را نیز بررسی می‌کنیم تا کاستی‌های

هر دو روش استقرایی و قیاسی را نشان دهیم.

در فصل دوم مبنای ساجکتیویسم رادیکال را برای نخستین بار و به صورت تفصیلی تشریح خواهیم کرد. در این زمینه با استفاده از مبانی فکری مونتنی، ویتگنشتاین، رورتی، کواین و دریدا، علاوه بر مفهوم فلسفی ساجکتیویسم رادیکال، به انتقاداتی نظیر اصل عدم تناقض و شبهات مربوط به نسبی گرایی پاسخ خواهیم داد و در نهایت خواهیم دید که چرا نگرش ساجکتیویستی، با فلسفه کانت و پراکسیولوژی میزس تعارض دارد.

در فصل سوم، چهارم و پنجم به معرفی جریان ساجکتیویسم رادیکال اتریشی با محوریت لاخمان و جورج شکیل می پردازیم و تفاوت های آن را با جریان اصلی اقتصاد اتریشی (در سه محور عینی گرایی، هماهنگی و پیشینی نگری) بیان می کنیم. پس از آن، یکی از مهم ترین اختلافات هترو دوکس های اتریشی با جریان اصلی اتریشی را، که تعادل گرایی است، از دیدگاه شکیل بررسی خواهیم کرد. در پایان، ادله خود را به صورت جمع بندی شده خواهیم آورد تا مشخص شود چرا این نگاه علی رغم بنیان های اتریشی، جایی در جریان اصلی مکتب اتریش ندارد. پس از آن، آرای دگراندیش دیدره مک کلاسیکی را بررسی خواهیم کرد و با بررسی دقیق اقتصاد پراگماتیستی او (و تشابهات آن با موضوع هرمنوتیک) به تفاوت هایش با اقتصاد آنارشیستی (به عنوان نظام اقتصادی ساجکتیویسم رادیکال) می پردازیم. در نهایت این تمایز بین اقتصاد آنارشیستی و اقتصاد پراگماتیستی را در مصادیق، شفاف تر می کنیم. لازم به ذکر است، همان طور که در متن هم خواهد آمد، اقتصاد آنارشیستی با آنارشیسم سیاسی و کلاً هر آنچه تحت عنوان آنارشیسم شناخته می شود متفاوت است و حتی با آن تعارض دارد.

در فصل آخر موضوع سرمایه داری را خواهیم شکافت و خواهیم دید علی رغم نقدهای مهمی که علیه شکست بازار (در معنایی که در متون اقتصاد متعارف به کار می رود) وجود دارد، اختلال و کاستی بازار را نمی توان نادیده گرفت. در انتها نیز به بررسی سرمایه داری از منظر موافقان و مخالفانش می پردازیم و خواهیم دید که رشد ناهمگون این نظام جز در یک چارچوب پولی مخاطره آمیز، امکان پذیر نبوده است.



برحسب قدرشناسی باید بگویم که همراهی خانواده ام نقش مهمی در شکل گیری این کتاب داشته است. پیش از همه از همسر، فاطمه نوده فراهانی بابت صبوری و همراهی اش در

این مسیر تشکر می‌کنم. محمدا میر عشیری در مباحث مربوط به تعادل گرایی و نامتعین بودن انتظارات ذکر شده، منابع مفیدی را به بنده معرفی کرده و سلسله مباحث مشورتی مان نقش مهمی در قوام این مطالب داشته است. دکتر محمد جوادی نیز با نکات انتقادی خود بر غنای این کار افزود و البته کتب ترجمه شده توسط ایشان جزء منابع مهم این کتاب به شمار می‌آید. همچنین، دکتر محسن یزدان‌پناه که در آموزش مفاهیم پساکینزی - علی‌الخصوص در حوزه هستی‌شناسی - جزو پیشگامان این عرصه به‌شمار می‌آیند؛ نقش قابل توجهی در آشنایی بنده با این مفاهیم داشتند؛ از لطف بیکرانشان سپاسگذارم و قدردان زحماتشان هستیم. خلاصه‌ای از فصل «جورج شکیل: سنتز کینز و هایک» در پژوهشگاه مالکیت و بازار در آبان ۱۴۰۰ منتشر شده بود؛ از این‌رو از جناب پاشا علیرضایی که با سعه صدر خود نخستین گام‌ها را در انتشار مطالب فارسی درباره ساجکتیویسم رادیکال برداشتند، متشکرم. جناب حسن ساقی نیز با راهنمایی‌های بی‌دریغ خود درباره مفهوم ساجکتیویسم نقش قابل توجهی در تبیین این مفهوم در کتاب پیش رو داشته‌اند و بسیار وام‌دار ایشان هستیم. همچنین قدردان اساتید خودم، دکتر یگانه موسوی جهرمی و دکتر فرهاد غفاری به‌خاطر زمینه‌سازی ارائه و تدریس این مباحث هستیم. در نهایت، از دکتر محمدمهدی مؤمن‌زاده به‌سبب کمک‌های فراوانی که در رشد ایده‌های این کتاب مبذول داشته‌اند و همراهی و حمایتشان که همواره شامل حال بنده بوده است، سپاسگزارم.

سید امیرحسین شکرآبی

تهران، شهریور ۱۴۰۱